

نویسنده: میخایل سوائینی «Micael Swaine» .
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-03-04» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



سیاست ترامپ در چین: ناشناخته کامل

Trump's China policy: A complete unknown?

سیاست‌های گذشته و حال نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور بسته به لحظه ممکن است از نظر نظامی جنگ‌طلب یا صرفاً معامله‌گر باشد.

Past and present policies indicate the president could be militarily hawkish or purely transactional, depending on the moment

پس از تهدیدهای ترامپ مبنی بر تصرف کانال پاناما و گرینلند و جذب کانادا، همراه با حمایت آشکار او از روسیه در مورد اوکراین و پیشنهاد عجیب او برای تبدیل غزه به ریویرای خاورمیانه با حذف جمعیت فلسطینی، ممکن است بپرسیم چه چیزی در انتظار آسیا و به ویژه چین است.

ترامپ تاکنون نسبتاً کمی در مورد منطقه گفته است، به جز اینکه به طور قابل پیش بینی تهدیدی برای تعرفه‌ها علیه چین و سایرین باشد و در عین حال چشم‌انداز استقبال از برخی اشکال سرمایه‌گذاری چین در ایالات متحده و نارضایتی تایوان را ارائه کرده است. با این حال، بعید است که این وضعیت باقی بماند.

در گسترده‌ترین مفهوم، تردیدی وجود ندارد که رژیم ترامپ به موضوع «رقابت راهبردی» با چین که در دوره اول دوره نخست ریاست جمهوری ایجاد شد و از طریق دولت بایدن انجام شد، ادامه خواهد داد و در عین حال متحدان آسیایی را برای هزینه بیشتر برای دفاع و خرید بیشتر کالاهای آمریکایی تحت فشار قرار می‌دهد.

اما یک سوال واقعی وجود دارد که ترامپ تا چه حد عمیق و گسترده با چین (و از متحدان ایالات متحده حمایت خواهد کرد) و با انجام این کار منعکس کننده نگرش تندرو نسبت به پکن است که اکنون در واشنگتن مسلط است.

بیشتر توجه ایالات متحده به چین تا کنون بر روی "شکست دادن" چینی‌ها در رقابت متمرکز شده است و در عین حال صرفاً "خطوط ارتباطی را باز نگه می‌دارد" تا از درگیری جلوگیری شود. همکاری اساسی در زمینه‌های مورد علاقه مشترک، یا جستجوی توافق‌ها یا تفاهم‌های سودمند متقابل، به طور کلی یک فکر بعدی، هدفی کمتر، خوشایند بوده، اما به هیچ وجه ضروری نیست. رژیم دوم ترامپ در ارزیابی تداوم چنین دیدگاه‌هایی ابهاماتی را ارائه می‌دهد. مقامات ایالات متحده مانند وزیر دفاع پیتر هگرت، وزیر امور خارجه مارکو روبیو، و مایک والتز، مدیر شورای امنیت ملی، اظهارات بسیار تندخویی در مورد چین و نیاز ایالات متحده برای تمرکز بیشتر بر روی مقابله با پکن به روش مجموع صفر در همه جبهه‌ها و به‌ویژه در آسیا داشته‌اند.

اما یک سوال واقعی وجود دارد که رژیم ترامپ به چند دلیل چقدر خصمانه خواهد بود. اول و مهمتر از همه، همانطور که در ماه گذشته کاملاً مشخص شده است، دونالد ترامپ و ایلان ماسک، نه مقامات امنیت ملی، قدرت مسلط بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده دارند و بنابراین حرف‌نهایی را در مورد نحوه نزدیک شدن به چین

و آسیا به طور گسترده تر دارند. با این حال، هیچ یک از این دو چهره به شدت به رقابت ژئواستراتژیکی بزرگ علاقه ندارند.

برخی از ناظران بر این باورند که ترامپ بر اساس اقدامات اخیر خود بیشترین تمرکز را بر ایجاد یک حوزه نفوذ واضح برای ایالات متحده در قاره آمریکا دارد در حالی که اروپا را عمدتاً به اروپایی‌ها و آسیا را به آسیایی‌ها واگذار می‌کند. این بسیار افراطی است و ویژگی‌های مهم‌تر جهان بینی فرضی ترامپ را نادیده می‌گیرد: الف) رویکردهای معاملاتی محدود که برای دستیابی به منافع اقتصادی خاص طراحی شده‌اند، ب) تمایل به افزایش نفوذ کلی ایالات متحده بدون ائتلاف منابع در سرمایه‌گذاری‌های نظامی خارج از کشور، و ج) دفاع در برابر اقداماتی که او را ضعیف جلوه می‌دهد.

در واقع، در مورد آخرین نکته، ترامپ معتقد است که بسیاری از کشورهای، از جمله متحدان نزدیک، از آمریکا سوء استفاده کرده‌اند و از این رو بر اصلاح آن متمرکز شده‌اند. بدون شک، ایلان ماسک از ترامپ پیروی می‌کند. با این حال، او دارای منافع مالی قوی در چین و جاهای دیگر است، از جمله تأسیسات عظیم تولید خودروی تسلا و باتری‌هایش در نزدیکی شانگهای که آشکارا این پرسش‌ها را ایجاد می‌کند که او چقدر ممکن است متخاصم یا به طور کلی استراتژیک باشد، به‌ویژه در قبال پکن.

در واقع، اظهارات و اقدامات ترامپ حاکی از آن است که او به جهان‌های چندقطبی یا تک قطبی یا حتی برتری یا تبعیت آمریکا در قدرت جهانی فکر نمی‌کند و قطعاً به عنوان ابزاری برای پیشبرد نظم بین‌المللی به اصطلاح لیبرال نیست. ترامپ علاقه چندانی به پیشبرد ارزش‌های آمریکا در خارج از کشور یا هر جای دیگر نشان نداده است و از حاکمان قدرتمندی که توسط عوامل قانونی یا سیاسی محدود نشده‌اند، تحسین زیادی می‌کند. تا کنون، تمرکز او بر پایان دادن به جنگ‌ها از طریق معاملات پرسود اقتصادی و ایجاد قدرت کلی اقتصادی آمریکا از طریق تعرفه‌ها و توافقات تجاری است.

در آسیا، حتی مسائل خطرناک و پیچیده‌ای مانند تایوان به طور بالقوه مشمول رویکرد معاملاتی ترامپ است. او تاکنون هیچ علاقه آشکاری به حمایت دیرینه ایالات متحده از امنیت و رفاه تایوان نشان نداده است. برعکس، او تایوانی‌ها را به دلیل سوء استفاده از ایالات متحده در عرصه فناوری مورد انتقاد قرار داده است.

این نگرانی در برخی از محافظان ایجاد کرده است که ترامپ سعی خواهد کرد با پکن در مورد تایوان به توافقی دست یابد که این جزیره را در معرض اجبار بیشتر چینی‌ها و استفاده مستقیم احتمالی از زور قرار دهد. علیرغم حمایت‌های قبلی او از تسلیح تایوان، این می‌تواند به شکل کاهش شدید کمک‌های نظامی یا حتی فروش به جزیره یا تلاش‌های مستقیم برای وادار کردن تایپه برای آغاز مذاکرات سیاسی با پکن باشد. (اگرچه در روز پنجشنبه، گزارش‌ها حاکی از آن بود که دولت ترامپ به تازگی بیش از 870 میلیون دلار کمک امنیتی منجمد ایالات متحده به تایوان را آزاد کرده است). بنابراین، اینکه ترامپ

چقدر می‌تواند از دیدگاه‌های افراطی‌تر، جنگ‌طلبانه‌تر و ژئواستراتژیک‌تر در دولت‌ش حمایت کند، بسیار نامشخص است. او احتمالاً تلاش خواهد کرد تا با "دوست" خود شی جین پینگ قرارداد‌های سودمند سیاسی و اقتصادی ببندد و اختلافات ژئواستراتژیکی بین واشنگتن و پکن را کم اهمیت جلوه دهد در حالی که به عنوان مثال، نقض حقوق بشر چین را تا حد زیادی نادیده می‌گیرد.

اما اگر فکر می‌کند که **شی** از او سوء استفاده می‌کند یا با موفقیت در برابر هر خواسته‌ای که ممکن است مطرح کند مقاومت می‌کند، می‌تواند بسیار متخاصم و حتی بی‌پروا شود. با توجه به منافع مالی او، مشخص نیست که آیا و چگونه ایلان ماسک ممکن است در برابر هرگونه تغییر شدید علیه پکن مقاومت کند یا خیر.

همه اینها نشان می‌دهد که ترامپ احتمالاً در صورت لزوم از شاهین‌های چینی خود برای پیشبرد اهداف خود استفاده خواهد کرد، اما اگر فکر می‌کند می‌تواند در تعامل با چین به دستاوردهای قابل توجهی (در درجه اول اقتصادی) برسد، از نا دیده گرفتن آنها دریغ نخواهد کرد. از سوی دیگر، شاهین‌های اطراف او می‌توانند با استفاده از اقدامات چینی که به نظر می‌رسد او را ضعیف جلوه می‌دهند، نفوذ خود را بر ترامپ تقویت کنند تا در یک توافق معلق خرابکاری کنند یا تمایل ترامپ برای تلافی‌جویی علیه پکن را افزایش دهند.

این می‌تواند منجر به اقدامات بسیار خطرناکی شود، از جمله، به عنوان مثال، تغییرات ناگهانی و رادیکال در سیاست ایالات متحده در قبال تایوان، مانند استقرار کشتی‌های جنگی ایالات متحده (یا حتی نیروهای رزمی) در جزیره، حمایت بی سابقه از وضعیت تایوان به عنوان یک کشور مستقل، یا حتی حمایت از تایوان برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای.

اگرچه در حال حاضر بعید است، اما مطمئناً غیرقابل تصور نیست که ترامپ در نهایت بتواند یک یا چند حرکت رادیکال را به عنوان بخشی از یک ترفند مذاکره انتخاب کند یا به پکن به خاطر ضعیف یا احمق جلوه دادن او را جبران کند. هرگونه حرکتی از این دست، و همچنین تغییرات متضاد بالا به سمت ترک تایوان، می‌تواند متحدان آسیایی آمریکا را عمیقاً نگران کند یا باعث شود پکن به روش‌های غیرقابل پیش‌بینی بیش از حد واکنش نشان دهد و منجر به یک بحران جدی شود.

بنابراین، ما در حال وارد شدن به دوره‌ای از عدم اطمینان و بی‌ثباتی بالقوه برای آسیا و جهان هستیم که توسط یک رئیس‌جمهور اساساً غیرقابل پیش‌بینی هدایت می‌شود. در بهترین حالت، او می‌تواند به انجام معاملات سازنده با همه طرف‌ها رضایت دهد و در عین حال از اقدامات تحریک‌آمیز پکن یا سایر کشورهای آسیایی منصرف شود.

اما نتیجه محتمل‌تر، اگر سوابق عمومی او تا کنون نشانه‌ای باشد، این است که وقتی او لازم بداند، مانعی برای شکستن سیاست‌های موجود به روش‌های بالقوه بی‌ملاحظه نخواهد داشت. مقابله با این امر مستلزم احتیاط و احتیاط، امتیازات حساب شده در جایی که بیشترین تأثیر را بر ترامپ خواهد گذاشت، مقاومت مشارکتی بدون ابهام در برابر مستقیم‌ترین چالش‌های او و البته چاپلوسی از سوی رقبا و متحدان نیاز دارد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

مایکل دی. سواين مایکل دی. سواين، پژوهشگر ارشد در شرق آسیا در مؤسسه کونینسی و یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران آمریکایی مطالعات امنیتی چین است.

----- **با تقدیم احترامات «2025-03-06»**

